

آمارهای سازمان ملل از احتمال محرومیت حدود ۱۲ میلیون کودک از حضور در کلاس‌های درس خبر می‌دهد. به گزارش ایسنا، بررسی سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) نشان می‌دهد در صورتی که تدابیر لازم اتخاذ نشود حدود ۱۲ میلیون کودک هرگز پایه مدرسه نخواهند گذاشت که در این میان دختران با موانع جدی‌تری مواجهند. «دره آرزوله» مدیر کل سازمان یونسکو در این باره گفت: «پیش‌بینی‌های انجام شده حاکی از آن است که ۹ میلیون دختر از حضور در کلاس‌های مقطع ابتدایی محروم خواهند شد که این آمار در پسران حدود ۳ میلیون نفر است.» تازه‌ترین اطلاعات از کودکان محروم از تحصیل در جهان حاکی از آن است که در مدت بیش از یک دهه پیشرفت قابل توجهی در این زمینه به دست نیامده است.

گفت‌وگو با ۳ نفر از ۹ دانش آموز سر پل ذهابی که در دومین کنکور پس از زلزله ۹۶ بهترین رتبه‌ها را آوردند

در چادر و کانکس درس خواندیم و پزشکی قبول شدیم

محمد باقر زاده| غرر زمین نتوانست آنها را از درس خواندن ببندد؛ با وجود وقفه درنکاتی که در آماده‌شدنشان برای کنکور به وجود آورد. دانش آموزان کنکوری سر پل ذهاب از زلزله سال ۹۶ تا به حال، روزهای سختی را گذرانده‌اند اما تعدادی از آنها حالا نتیجه درخشانی از کنکور گرفته‌اند. دست‌کم ۹ نفر از این داوطلبان امسال در رشته‌های پزشکی و دندانپزشکی پذیرفته شدند و تعداد زیادی هم در رشته‌های علوم انسانی و ریاضی فیزیک توانستند در رشته‌های مورد علاقه و البته پر استقبال داوطلبان پذیرفته شوند. هر کدام از پذیرفته‌شدگان البته روایت‌های متفاوتی از آن شب دلپره‌آور آبان ۹۶ دارند؛ شبی که حدود ساعت ۲۱ زلزله‌ای به بزرگی ۷.۳ ریشتر ۶۲۰ نفر را به سرای ابدی فرستاد و دست‌کم ۷۰ هزار نفر را هم بی‌خانمان کرد. آنها البته در روزهای بعد هم آرامش چندانی نداشتند و در کمتر از دو ماه ۷۰۰ پس‌لرزه را تجربه کردند تا درس خواندن برای‌شان با دشواری هرچه بیشتر پیش برود. فضای زندگی در سر پل ذهاب داشت آرام می‌شد و ذهن دانش آموزان سال آخر داوطلبان کنکوری به برنامه‌ریزی و رویاپردازی برای آینده مشغول بود که بار دیگر عمق زمین طغیان کرد و در آذر ۹۷ بار دیگر زلزله‌ای ۶/۳ ریشتری آرامش ساکنان این شهر و داوطلبان کنکور سراسری را به هم ریخت. خانه‌ها و اتاق‌های درس خواندن این افراد دست‌کم دوبار ویران یا دچار آسیب و تخریب شد و حتی در زمستان هم سیل به کانکس و چادرهایشان رحم نکرد. در این بین، گروهی مصمم یا به رقابتی نابرابر گذاشتند و نتوانستند در روزهای اشتیاق کم‌نظیر ایرانیان به پزشکی و دندانپزشکی، تعدادی از صندلی‌های دانشگاه را از آن خود کنند. این پذیرفته‌شدگان هر کدام روایت متفاوتی از روزهای دشوار دارند، اما به نظر می‌آید برای آینده برنامه مشترکی دارند؛ بازگشت به شهری محروم که در انتظار آرامش و سعادت است.

محمد حسین مرادی، پذیرفته‌شده در رشته پزشکی دانشگاه کرمانشاه:

در کانکسی ۶ متری درس می‌خواندم

داده بودیم. **• در بین دوستان و هم‌کلاسی‌هایت هم فردی بود که در زلزله آسیب جدی دیده باشد؟** بله، زیاد، ولی خب، شرایط درس خواندن نداشتند. یکی از دوستان هم که رشته خوبی قبول شد و رتبه خوبی هم آورد در زلزله مادرش را از دست داده بود. **• چه مشکلاتی را در این دو سال پشت سر گذاشتی؟**

مشکلات زیاد بود. اولین مشکل ناامیدی و عقب‌افتادگی بود، چون زلزله برنامه‌هایمان را به هم ریخت. مشکل دیگر هم این که سهمیه‌ای که برای مناطق زلزله‌زده بود برای کل استان بود، در حالی که همه شهرها درگیر زلزله نبودند که امسال سهمیه کم شد. پارسال هشت نفر پزشکی و امسال پنج نفر پزشکی ما زاد بر ظرفیت برای مناطق زلزله‌زده در نظر گرفته بودند که من از این سهمیه استفاده نکردم. **• این دو زمین‌لرزه بزرگ، برنامه درسی شما و دیگر داوطلبان کنکور را به هم ریخت. این عقب‌افتادگی از برنامه تحصیلی چقدر تاثیر گذار بود؟** پارسال مدت زیادی درس نمی‌خواندم، چون شرایطش وجود نداشت. اوایل رفتم، روستا بود بعد در چادر درس خواندم و بعد هم حدود چهار ماه در کانکس درس می‌خواندم. یک کانکس ۶ متری داشتیم که با پدر و مادر آنجا زندگی می‌کردیم. یعنی پدر و مادر به خاطر من فقط شب‌ها برای خواب می‌آمدند، بعد از مدتی هم همه داشتند تعمیری می‌کردند و سروصدا خیلی زیاد بود، چون دیوارها پنج سانتی و خیلی نازک بود و کلا در سروصدا بودیم. جنس کانکس پلاستیکی است و بسیار گرم می‌گردد. من یک پنکه اهدایی داشتم و مجبور بودم تکان نخورم و درس بخوانم که عرق نکنم. جنس کانکس هم در تابستان به دلیل گرمای بدی ایجاد می‌کرد که سردرد می‌آورد.

• چه برنامه‌ای برای آینده دارید؟ برنامه‌ام این است که در سال‌های آینده ازدواج کنم. محل خدمتم هم همین سر پل ذهاب است و می‌خواهم همین‌جا زندگی کنم.



شهر وند| دو سال دشوار را پشت سر گذاشته و در کانکسی ۶ متری زمستانی سرد و تابستانی گرم را تحمل کرده‌است: «محمد حسین مرادی» پدر و مادری فرهنگی و معلم دارد و آنها در این دو سال تلاش کردند شرایط را برای درس خواندن فرزندشان فراهم کنند. او می‌گوید که درس خواندن در کانکس شبیه درس خواندن در خیابان شلوغ یا پارک بود، چون دیوار نازک کانکس مقابله‌ای در برابر صدا نداشت. مرادی یکی از پذیرفته‌شدگان امسال کنکور سراسری در رشته پرستاری پزشکی است که تمام دوران تحصیل را در همین شهر گذرانده‌است.

• آقای مرادی، متولد چه سالی هستید و در چه رشته‌ای پذیرفته شده‌اید؟ متولد سال ۷۸ هجری و ۱۹ سال دارم. دبیرستان شاه‌در سر پل ذهاب بودم و کل دوره تحصیلی در همین شهر درس خواندم. پارسال کنکور دادم ولی به دلیل زلزله نشد درست درس بخوانم و رتبه‌ام حدود ۸ هزار شد. پدر و مادرم معلم‌اند و در خانواده‌ای فرهنگی درس خوانده‌ام. امسال هم که پزشکی کرمانشاه قبول شدم. **• سر پل ذهاب در این دو سال دو زلزله را تجربه کرد. این اتفاق چه تأثیری در روند درس خواندن شما داشت؟** خانه‌مان سال ۹۶ تا اندازه‌ای تخریب شد و پارسال کاملاً تخریبش کردیم. دیوارهای خانه ترک برداشته بود و حالت غیر مطمئن داشت، ولی چون از چادر خسته شده بودیم، رفتیم همان خانه و بعد از کنکور من، کامل خانه را تخریب کردیم.

• در این شرایط درس خواندن برای کنکور دشوار بود؟ بله، لحظه زلزله سال ۹۶ من داشتم می‌رفتم بالا که یک اتاق خیلی ناامن بود و زلزله آمد. ما همان شب زلزله سال ۹۶، رفتیم روستا و حدود یک ماه آن‌جا بودیم. کتاب‌هایم را برابرم آوردند ولی شرایط درس خواندن وجود نداشت، چون استرس و فشار زلزله وجود داشت و بعد که استرس رفت، دیگر درس را بی‌خیال شدم و ناامید بودم، نه فقط من که خیلی از دوستان هم همین شرایط را داشتند، چون فرصت و زمان زیادی را از دست

دانش بابل، پذیرفته‌شده در رشته دندانپزشکی دانشگاه همدان:

به شهرم برمی‌گردم، به سر پل ذهاب محروم

• موقع زلزله کجا بودید؟ موقع زلزله سال ۹۶ دانشگاه تبریز بودم و خانواده سر پل ذهاب بودند که مشکل جانی پیش نیامد ولی نصف خانه‌مان تخریب شد. پارسال آذر ۹۷ که زلزله ۶ ریشتری آمد، سر پل ذهاب بودم و داشتم درس می‌خواندم که باز خانه ما به هم ریخت و بخشی از آن تخریب شد و به وضع قبل برگشتم. **• شما آن موقع برای کنکور درس می‌خواندید؟** بله و به خاطر من تعمیرات را شروع نکردند. در این شرایط قطعاً درس خواندن سخت بود.

• امسال سهمیه منطقه زلزله‌زده داشتید؟ سهمیه هست ولی در رتبه تأثیری نداشت. برای کل استان کرمانشاه بود که البته کل استان زلزله‌نبرد. من استفاده نکردم از سهمیه عادی قبول شدم. **• شما در شرایط سختی درس خواندید. ممکن است این شرایط دشوار تأثیری در برنامه آینده شما هم داشته باشد؟**

بله، صددرصد من که این شرایط سخت را دیده‌ام، برنامه‌ام این است که حتماً به سر پل ذهاب برگردم، چون واقعا محروم است و به نظرم احتیاج دارد. شاید کاری از دست من بر نیاید ولی باید تلاشم را بکنم. اگر روزی کاری از دستم برآید، می‌خواهم به این مردم خدمت کنم



شهر وند| دانش بابل» که امسال در رشته دندانپزشکی دانشگاه همدان پذیرفته‌شده است، پیش از این تجربه دانشگاه را داشته ولی علاقه اصلی‌اش نه رشته علوم تغذیه که دندانپزشکی بوده است؛ علاقه‌ای که به نظر می‌آید به دلایل مختلف حالا بین بسیاری از داوطلبان کنکور سراسری والدین آنها هم وجود دارد. او هم هنگام درس خواندن برای کنکور زلزله را تجربه کرده و حتی محل درس خواندنش هم دچار آسیب شده اما خانواده تعمیرات را به بعد از کنکور موکول کردند. بابلی حالا به خواستاش رسیده و می‌گوید قصد دارد در آینده به سر پل ذهاب و مردم سختی کشیده‌اش خدمت کند.

• دوران دبیرستان را در سر پل ذهاب گذراندید؟ من یک سال پشت کنکور ماندم. سال اول علوم تغذیه تبریز قبول شدم و چهار ترم آن‌جا درس خواندم و گفتم یک بار دیگر شانس‌م را امتحان کنم. متولد سال ۷۵ هجریم. امسال هم دندانپزشکی دانشگاه همدان قبول شدم. **• این سال آخر و دوران دبیرستان را کجا درس خواندید؟**

در سر پل ذهاب و در دبیرستانی عادی به اسم آیت‌الله خامنه‌ای درس خواندم. **• رتبه‌تان چند شد؟** رتبه ۲۶۰ منطقه سه شدم که دندانپزشکی همدان و دندانپزشکی دانشگاه آزاد تهران قبول شدم.

جوان

نشهروند

۱۳

چهارشنبه ۲۷ شهریور ۱۳۹۸ | سال هفتم | شماره ۱۷۹۳
www.shahrvandonline.ir

حدود ۸۵ درصد از رانندگانی که باعث تصادفات مرتبط با خواب می‌شوند، مرد هستند و حدود یک سوم آنها حداکثر ۳۰ سال سن دارند.



فاطمه کردستانی، پذیرفته‌شده پزشکی یزد از انگیزه‌هایش می‌گوید:

علاقه‌مند به هنر، در راه دکتر شدن

شهر وند| داستان و قصه زندگی تعداد زیادی از داوطلبان کنکور سراسری در ایران و در این چندسال گذشته شباهت‌های فراوانی به هم دارد؛ تعدادی از این نوجوانان باید علاقه خود را به اصرار خانواده و مصلحت‌سنجی آنها به سمت پزشکی و دندانپزشکی تغییر دهند. «فاطمه کردستانی» هم روزهایی با این شرایط را پشت سر گذاشته، هر چند که می‌گوید حالا به پزشکی علاقه‌مند است و می‌خواهد در کنار این رشته به علاقه اصلی‌اش یعنی نویسندگی و هنر هم بپردازد. او که امسال در رشته پزشکی بین‌الملل یزد پذیرفته شده، روزهای پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشته است؛ از دو سال جهشی خواندن تا دو سال تجربه پشت کنکوری در روزهای پراسترس زمین‌لرزه غرب ایران. کردستانی در ۱۹ سالگی تجربه فراوانی دارد و می‌گوید که روزهای درس خواندن در کانکس را به راحتی فراموش نمی‌کند و شاید به همین دلیل می‌خواهد روزی باری از دوش مردم سر پل ذهاب بردارد.

• متولد چه سالی هستید و دبیرستان را کجا گذرانید؟ متولد ۷۹ هجری و دو سال جهشی خواندم. سال اولی که کنکوری بودم، سال ۹۵ بود که می‌خواستیم تغییر رشته بدیم و بروم در رشته هنر درس بخوانیم و کنکور بدیم، چون از بچگی به هنر و نویسندگی علاقه داشتم. بعضی وقت‌ها شعر و داستان می‌نویسم ولی خانواده با این که به سمت نویسندگی یا هنر بروم، مخالف بودند. بعد من کوتاه آمدم و خانواده‌ام پیروز شدند و قرار شد من بمانم که تجربی بخوانم؛ با این شرط که اگر پزشکی قبول بشوم یا نویسندگی من مشکلی نداشته باشند. **• چه سال‌هایی را جهشی خواندید؟** سوم ابتدایی و دوم راهنمایی را.

• خب، بعد از این شرایط و قول و قرارها چه تصمیمی گرفتید؟ سال ۹۵ برای کنکور ۹۶ درس می‌خواندم که برادرم فوت شد و نتوانستیم درس بخوانیم؛ آن سال رتبه‌ام خوب نشد؛ حدود دو هزار. کنکور بعد هم که با زلزله همراه شد و تا مدتی خانه نداشتیم و عملاً رفته بودیم جای دیگری زندگی می‌کردیم. بعد که برگشتیم حدود دو ماه در چادر زندگی می‌کردیم و درس می‌خواندم. چادرمان روی پل بود و اصلاً امکان تمرکز وجود نداشت. آن سال هم رتبه‌ام ۲۵۰۰ شد که داروسازی هم قبول شدم ولی نرفتم. امسال هم خیلی‌ها می‌گفتند درس نخوان و خودت را اذیت نکن چون کنکور حساب مشخصی ندارد، ولی تصمیمم را گرفته بودم. نمی‌خواستم تمام عمر حسرت این روزها و سال‌ها را بکنم.

• و بعد دوباره شروع کردید به درس خواندن. بله، در این سال مجله‌ها را می‌دیدم و حرف‌های کسانی که بعد از ۵-۶ سال پزشکی قبول شدند به من امید می‌داد. روز کنکور صندلی‌ام جای شلوغی بود و اصلاً شرایط خوبی نبود. صبح کنکور میکروفتن ساختمان ما خراب بود و

من خوشحال شدم تا این که حدود هشت‌ونیم میکروفتن درست شد و در این ساعت شروع کردند به توضیح همان موارد تکراری که من تمرکز را از دست دادم، ولی بین عمومی و اختصاصی یک دقیقه تمرکز کردم که عمومی گذشته و باید با اختصاصی جبران کنم و همین شد. الان به بچه‌ها می‌گویم سعی کنید در شرایط شلوغ درس بخوانید چون ممکن است حوزه امتحانی شلوغ شود و باید ذهن آماده‌گی این شرایط را داشته باشد. **• زلزله دو سال پیش چه تأثیری در درس خواندن شما داشت؟** چقدر خوب که اشاره کردید. اتاق من جوری شد که دیگر نمی‌توانستیم در آن بمانم. از آن به بعد در کانکس درس می‌خواندم؛ کانکسی که یکی از خیرین داده بود. گرمای سر پل ذهاب هم شدید است و شرایط افتضاح بود. در زمستان سه بار سرما خوردم و ادامه‌دار بود و اصلاً مدت زیادی امکان درس خواندن نبود. تابستان هم گرما شدید بود و حتی داخل کانکس و روبه‌روی کولر هم آدم دایم عرق می‌کرد. شرایط راحتی نبود.

• با همه این سختی‌ها درس خواندید و الان قبول شده‌اید. بله و باز فکر می‌کنم بیشتر از این بود، چون شرایط شلوغ و سختی بود و به نظرم ما باید در شرایط شلوغ درس بخوانیم. **• برنامه‌تان برای آینده چیست؟** تلاش می‌کنم انتقالی بگیرم و بیایم کرمانشاه، چون با مادرم تنها زندگی می‌کنم و نمی‌توانم او را تنها بگذارم. اگر بتوانم می‌خواهم تخصص قلب بخوانم. **• به آینده دور هم فکر می‌کنید؛ مثلاً بعد از فارغ‌التحصیلی؟** چندسال پیش خیلی علاقه داشتم به شهر خودم برگردم ولی الان تلاشم این است جایی درس بخوانم که بتوانم در رشته خودم باشم اما این‌جا منطقه محروم است و من که در این منطقه بوده‌ام، در دسر این‌جا را بهتر درک می‌کنم و دوست دارم این‌جا بیایم و خدمت کنم.

• این فراز و نشیب‌ها چه تجربه و درسی برای شما داشت؟ من کل جهانم و همه زندگی را در کنکور خلاصه کردم و می‌گفتم اگر رتبه‌ام فلان نشود، می‌میرم. وقتی رتبه آمد یک لحظه احساس کردم مرگم رسیده، چون رتبه آن چیزی نبود که بخواهم و خب، الان پزشکی بین‌الملل قبول شده‌ام. الان اصلی‌ترین حرف من این است که همه از سال کنکور لذت ببرند و منتظر نتیجه آن نباشند. **• شما در دوران کنکور دو زمین‌لرزه را تجربه کردید و ماه‌ها در کانکس درس خواندید. سخت نبود؟** من در یک جمله فقط می‌گویم همه طوری تلاش کنیم که وقتی نتیجه را گرفتیم عذاب وجدان نداشته باشیم، هر چقدر هم شرایط سخت و غیر قابل پیش‌بینی باشد.